

---

## مؤلفه های تمدن مهدوی با تاکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم انقلاب

---

فاطمه هوشیاری<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
محمدحسن رضوانی تبار<sup>۲</sup>

### چکیده

رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی<sup>ﷺ</sup> با بعثت خود تمدن نوینی را در جهان پایه‌ریزی کرد. با توجه به آیه ۵۵ سوره نور و با توجه به روایات معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> نقطه اوج این تمدن، تمدن مهدوی است. در مقاله حاضر، مؤلفه‌های تمدن مهدوی مورد واکاوی قرار گرفته، و با روش توصیفی - تحلیلی به پرسش‌هایی درباره این تمدن با توجه به آیه ۵۵ سوره نور، پاسخ داده شده است. منظور از مؤلفه‌های تمدن مهدوی آن شاخصه‌هایی است که جامعه ایده آل بر پایه آن استوار است. هدف از این تحقیق آشنایی و آگاهی دادن جامعه نسبت به این مؤلفه‌های است برای زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی و به فرموده مقام معظم رهبری دام‌ظله، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش مؤلفه‌های تمدن مهدوی با توجه به آیه ۵۵ سوره نور

---

۱. دانش آموخته سطح چهار جامعه الزهراء<sup>علیها‌السلام</sup>، fahu1348@gmail.com

۲. دانش آموخته حوزه علمیه قم، سطح چهار فقه و اصول. hasanrezvanitabar@gmail.com

عبارت انداز: توحید، ایمان، اخلاص، تمکین دین، امنیت فراگیر و عبودیت فراگیر.  
واژگان کلیدی: آیه ۵۵ سوره نور، قرآن کریم، مؤلفه های تمدن، تمدن مهدوی، بیانیه گام  
دوم.

## مقدمه

با تأملی در تاریخ درمی‌یابیم در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکای به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه‌گذاری کنند. آنان هم در برابر قدرت‌های بزرگ زمان خود، علی‌الظاهر کوچک بودند؛ اما ایمان به آنان قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. این تمدن اسلامی دارای فرازها و فرودهایی بود که با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه‌السلام به اوج خود رسید. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های خود جایگاه ویژه‌ای برای تمدن اسلامی قائل هستند. معظم له می‌فرماید: «انقلاب اسلامی آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است». قرآن کریم در سوره نور آیه ۵۵ در این خصوص می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد.

هدف این تحقیق استخراج مولفه‌های تمدن مهدوی با توجه به آیه فوق و بیانیه گام دوم می‌باشد.

با توجه به ماهیت موضوع و هدف تعیین‌شده، روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش توصیفی-تحلیلی است. بر اساس این روش، با مراجعه به منابع اسلام (قرآن و سنت)، و کتب تفسیری و بیانیه گام دوم و دیگر بیانات مقام معظم رهبری سعی شده است مؤلفه‌های تمدن مهدوی، موردبررسی قرار گیرد. در این تحقیق ابتدا به مفهوم‌شناسی واژه‌های کلیدی پرداخته‌شده و سپس به تفسیر تطبیقی آیه ۵۵ سوره نور و در آخر با توجه به این آیه مؤلفه‌های تمدن مهدوی عنوان شده است.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱/۱. مؤلفه

مؤلفه که همان شاخص است در لغت به معنای برآمده، مرتفع، چشمگیر، برجسته و آن چیزی است که مقدارش ماهیت چیزی را معین می کند (معین، ۱۳۸۶، فرهنگ معین کلمه شاخص). به عبارت دیگر عنصر یا اجزای تشکیل دهنده یک چیز که بدون داشتن آن‌ها نمی توانیم آن چیز را تجزیه و تحلیل کنیم.

### ۱/۲. تمدن

کلمه تمدن از باب تفاعل به معنای تخلق به آداب شهری است «تمدن أي تخلق بأخلاق أهل المدينة» افزون بر این، مؤلف کتاب «التحقیق» واژه «مدن» را مأخوذ از لغت عبری و سریانی و واژه مدین و مدینه را مشتق از ماده «دین» و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات دانسته است. (مصطفوی، ۱۴۰۲ ه ق: ۵۵/۱۱) در زبان عربی معادل حضاره است که به معنای شهرها و جاهای آباد است. (فراهیدی، ج ۳/۱۰۱) در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و بااخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۴۱۳) تمدن در فرهنگ معین به معنای شهرنشین شدن، همکاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت معنا شده است. (فرهنگ معین)

تعریف اصطلاحی تمدن: به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۳/۶). در اندیشه امام علیه السلام مفهوم تمدن در قالب تعریف



مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کردند و آن‌ها را جداگانه به کار بردند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد توجه داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد». ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند (فوزی و صنم زاده، ۱۳۹۱/۲۲). تعریفی که امام علیه السلام درباره تمدن بیان کرده‌اند، بیانگر دستاوردهای مادی بشر برای ادامه زندگی و توسعه و ترقی است. در این تعریف، فرهنگ که بیشتر دستاوردهای معنوی انسان را شامل می‌شود، مقدم بر تمدن است.

### ۱/۳. تمدن مهدوی

قبل از اینکه به واژه تمدن مهدوی پرداخته شود لازم است تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳/۱۱۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-1138>). در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر

مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می شود.

تمدن مهدوی زندگی شهری نشینی است که توسط حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه اداره می شود و در آن، امام خلیفه خداوند و مأمور اجرای حق و عدل می باشد، که با علمی عاری از ظن و آمیخته با یقین اداره می شود، که بشر در زمان حضرت تازه زندگی را شروع می کند و این زندگی به صورت طبیعی سیر حقیقی و معنوی خواهد داشت؛ حتی درک عوالم و کسب علوم، تا آنجایی که حجابها از چهره بشر برداشته شده او قادر به مشاهده ملکوت می گردد». در آن زمان هر انسانی می تواند تا هزار نفر از نوادگان و نتیجه های خود را ببیند. زمان برکت می یابد و انسان عمر طولانی خواهد داشت. در این شهر، ظلم جایگاهی ندارد، هرچند که افراد معصوم نیستند، اما میدان گناه کوچک می شود و زمینه بروز پیدا نمی کند. حاکمیت حق و عدل جلوی گسترش فساد و ظلم را گرفته و حق را به صاحب اصلی برمی گرداند. هیچ حرکتی از چشم امام ۷ دور نمانده و حتی ایشان نیازی به مشاهده ندارند و با علم الهی و حکمت داودی رفتار می کنند، لذا ظالم نمی تواند قاضی را دچار تشویش و اشتباه نماید. فضای جولان نفس اماره محدود است. در یک کلام جهان سرمست زور و قدرت و ثروت به عالمی مملو از عدل و انصاف بدل می گردد. این چنین شهری است که در موردش باید گفت: «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة، تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله». (گفتمان مهدویت سخنرانی و مقاله های گفتمان ششم، ص: ۱۸۶)

## ۲. نگاه اجمالی به آیه

در قرآن یکی دو آیه است که غیر از تفسیر مهدوی تفسیر دیگری نمی توان برای آن در نظر گرفت خداوند در آیه ۵۵ سوره نور می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمَنَّا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»: خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده می دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که

پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند».

محتوای آیه سخن از یک وعده الهی می‌دهد که تخلف‌ناپذیر است. وعده خدا به کسانی است که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند. در نتیجه این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند، به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان بی‌می‌نداشتند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. یکی از کلمات کلیدی در این آیه کلمه «يَسْتَخْلِفُوهُمْ» است که محوریت در آیه با آن است. با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی این کلمه و انواعی که در قرآن آمده؛ «يَسْتَخْلِفُوهُمْ» در این آیه کدام معنا را به خودش اختصاص داده است؟ همه کسانی که به این واژه توجه کردند به سراغ جانشینی رفته‌اند. آنچه با موضوع آیه مورد بحث ارتباط مستقیم دارد، درک ماهیت استخلاف در این آیه می‌باشد.

**يَسْتَخْلِفُ:** از باب استفعال از ماده «خلف» است. ابن فارس در معجم مقاییس اللغه، برای این ماده سه معنای اصلی در نظر گرفته است: «قرار گرفتن چیزی پس از چیز دیگر که جانشین آن می‌شود»، «پشت سر، ضد روبرو» و «دگرگونی و تغییر» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه.ق: ۲/۲۱۰). راغب اصفهانی می‌گوید: خَلْفٌ: یعنی پشت، نقطه مقابل «قَدَامٌ» یعنی پیشروی و جلو. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴/۱: ۶۲۷) خَلْفٌ عَكْسٌ و ضِدٌّ مَعْنَى تَقَدُّمٍ و سَلْفٌ است و به کسی که به خاطر کوتاهی و قصور مقام و منزلتش عقب مانده است «خلف» گویند و لذا می‌گویند خَلْفٌ یعنی زشت و تباه؛ و نیز کسی را هم که نه به خاطر قصور و کوتاهی از مقامش عقب مانده باز خَلْفٌ گفته‌اند. آنچه با موضوع آیه مورد بحث ارتباط

مستقیم دارد، درک ماهیت استخلاف در این آیه می باشد. با تأملی در آیات قرآن می توان استخلاف را به سه نوع تقسیم کرد که در ادامه به آن پرداخته می شود.

### ۳. انواع استخلاف در قرآن

#### أ. خلافت طبیعی

خلافت طبیعی: به معنای مطلق جایگزینی است که در آن خداوند برای اهل زمین قرار داده که نسلی پس از نسل دیگر پشت سر آن ها، جایگزین آنان می شوند و به طور طبیعی مالک دارایی های آنان می شوند. خلافتی است که جانشینی به صورت طبیعی صورت می گیرد، مثل آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا» (فاطر / ۳۹)

او کسی است که شما را در زمین جانشین قرارداد (هر نسلی جانشین نسلی دیگر) پس هر کس کافر شود کفرش علیه خود اوست و کفر کافران نزد پروردگارشان جز خشم بیشتر اثر ندارد و کفر کافران جز خسارت و زیان نمی افزاید. خَلَائِف جمع خَلِيفَة است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ه. ش: ۱/ ۶۳۰)

جانشین ساختن مردم بر روی زمین به این معناست که خداوند آیندگان را جایگزین گذشتگان کرده، در نتیجه آنچه گذشتگان در اختیار داشتند و در آن تصرف می کردند جانشینانشان نیز در آن اختیار دارند و در آن تصرف می کنند؛ چراکه آفرینش انسان ها از طریق ولادت است و این سبب می شود که نسلی جایگزین نسل دیگر شود. از استخلاف آیه ۱۶۵ انعام نیز این استفاده می شود که می فرماید: «وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام / ۱۶۵) او است کسی که شما را خلیفه های زمین قرارداد و برخی را به درجاتی بر بعض دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده آزمون کند، پروردگارت کیفر کردار را به زودی می دهد و همواره آمرزگار مهربان است. این استخلاف یکی از سنت های خداوند است درباره انسان ها که در

دنیا زندگی می‌کنند.

### ب. خلافت وراثتی

خلافت وراثتی خلافتی است که از پیشینیان به گروهی می‌رسد. به عبارت دیگر خداوند به گروهی منت می‌نهد و با دخالت حکیمانه خود، قومی را که حجت را برای آن‌ها تمام کرده، ولی آن‌ها عناد می‌ورزند را هلاک کرده و از صفحه روزگار برمی‌اندازد و قومی دیگر را وارث سرزمین آنان می‌گرداند. در این نوع استخلاف قومی که تباه می‌شوند ظالم بوده و قومی که جانشین آنها می‌شوند در استضعاف و خوف به سر برده و پس از آن به تمکین می‌رسند. این معنا به طور خاص در آیات شریفه مربوط به قوم بنی‌اسرائیل به چشم می‌خورد که می‌فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ \* قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (اعراف، ۱۲۸-۱۲۹) موسی به قوم خود گفت از خدا کمک جوئید و صبور باشید که زمین متعلق به خدا است و به هرکسی از بندگان خویش بخواهد وامی‌گذارد و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است \* اسرائیلیان گفتند پیش از آمدن تو (به رسالت) و هم بعد از آن در رنج و شکنجه بوده‌ایم موسی گفت شاید پروردگارتان دشمنانتان را هلاک کند و شمارا در این سرزمین جانشین (آن‌ها) کند و بنگرد چگونه عمل می‌کنید. حضرت موسی در این آیات، قوم خود را به مددجویی از حق تعالی و صبر و پایداری دعوت می‌کند و می‌فرماید: مالک زمین تنها خداست و به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد، ولی انجام کار برای تقوای پیشگان است. قرآن کریم در آیاتی دیگر از تحقق وعده الهی در باره استخلاف بنی‌اسرائیل و هلاکت فرعونیان خبر داده و می‌فرماید: «وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» (اعراف، ۱۳۷) و خاورها و باخترهای آن سرزمین را که برکت در آن نهاده بودیم به گروهی که خوار به شمار می‌رفتند واگذاشتیم و کلمه نیکوی پروردگار تو درباره پسران اسرائیل به پاداش صبوری که

کرده بودند انجام شد و آنچه را فرعون و قوم وی می ساختند با بناهایی که بالا می بردند ویران کردیم. قرآن کریم از این نوع استخلاف در باره اقوامی دیگر نیز خبر داده است؛ مانند مؤمنان از اقوام نوح و عاد و ثمود. (ر.ک. اعراف، ۷۳-۱۰۱) این نوع استخلاف مثل استخلاف نوع اول یکی از سنت های حق تعالی است که خداوند پس از آزمون مؤمنان و احراز شایستگی آنان، آنان را به مقام استخلاف یعنی وراثت زمین و اقتدار و امنیت می بخشد.

### ت. خلافت الهی

این نوع استخلاف ویژه انبیاء و اولیاء از طرف خداوند است. خداوند آنان را به طور خاص نماینده خود در زمین قرار داده است و خلافت را برای آنان جعل کرده است؛ مانند خلافت حضرت آدم<sup>۷</sup> که نوعاً مفسران فریقین خلافت ایشان را از طرف خدا می دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷۶/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۶۳/۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۵/۲) نمونه دیگر این استخلاف، خداوند متعال حضرت داوود<sup>علیه السلام</sup> را خلیفه خود در زمین قرارداد و فرمود: «یا داوُد اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ». ای داوود تو را در زمین خلیفه قراردادیم پس بین مردم به حق داوری کن. حضرت داوود در زمین به نمایندگی از حق تعالی بین مردم داوری می کند. از دیدگاه اکثر مفسران شیعه علاوه بر مفسران سنی، این نوع خلافت نیز سنتی از سنت های خداوند است و هرگز زمین از این خلیفه که حجت الله است خالی نخواهد بود. (نجار زادگان، ۱۳۸۹، فصل سوم)

### ۴. بررسی دیدگاه شیعه

قرآن پژوهان شیعی در مورد زمان تحقق و تعیین مصداق برای این آیه، دیدگاه یکسانی ندارند. برخی آن را همسو با مفاد روایات، تحقق این وعده را متعین به عصر ظهور می دانند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان آورده است: امام چهارم<sup>۷</sup> این آیه را خواند و فرمود: بخدا آنها شیعه مایند که خداوند بدست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده ها را در باره آنها انجام می دهد. پیامبر خدا در باره او فرمود: اگر از دنیا يك روز مانده باشد، خدا آن روز را

طولانی می‌سازد تا مردی از عترت من که همانام من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. نظیر همین روایت از امام باقر و امام صادق  $\gamma$  نیز روایت شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۴/۱۷) برخی دیگر تحقق وعده را با مصادیق متعدد می‌شناسند. مفسرین در این آیه شریفه اختلافاتی شدید و زیادی دارند. بعضی (تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۵۲) گفته‌اند: درباره اصحاب رسول خدا  $\text{O}$  نازل شده، و خدا وعده‌ای را که به ایشان داد منجز کرد، و زمین را در اختیار ایشان قرار داد، و دین ایشان را تمکین داد، و ترس ایشان را مبدل به امنیت کرد، آری بعد از در گذشت رسول خدا  $\text{O}$  در ایام خلفای راشدین، اسلام را پیش برد، و عزت داد، و در نتیجه آن ترسی که مسلمین از کفار و منافقین داشتند، از بین رفت. و مراد از استخلاف ایشان استخلاف خلفای چهارگانه بعد از رسول خدا  $\text{O}$ ، و یا تنها خلفای سه‌گانه اول است، و اگر استخلاف را به همه نسبت داده، با اینکه همه مسلمین خلیفه نبودند، و خلافت مختص به سه و یا چهار نفر بود، از قبیل نسبت دادن چیزی است که مخصوص به بعض است به همه، مثل اینکه می‌گویند: بنی فلان کشته شدند، با اینکه بعضی از آنان کشته شدند. بعضی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵۲/۷) دیگر گفته‌اند که: این آیه شامل عموم امت محمد  $\text{O}$  می‌شود، و مراد از استخلاف امت وی و تمکین دین ایشان و تبدیل خوفشان به امنیت این است که زمین را به ایشان ارث داد، آن چنان که به امت‌های قبل از اسلام ارث داد. و یا مراد استخلاف خلفای بعد از رسول خدا  $\text{O}$ ، و تمکین اسلام و شکست دادن دشمنان دین می‌باشد، که خدای تعالی بعد از رحلت آن جناب وعده خود را وفا کرد، و اسلام و مسلمین را یاری نموده، شهرها و اقطار عالم برای آنان فتح شد. بنا بر این دو قول، آیه شریفه از پیشگویی‌های قرآن خواهد بود، چون خبر از اموری داده که هنوز در عالم تحقق نیافته، و حتی آن روز امیدش هم نمی‌رفت. مرحوم طبرسی در مجمع البیان آورده است: این آیه مربوط به مهدی موعود  $\text{E}$  است، که اخبار متواتر از ظهورش خبر داده، و فرموده که: زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵۲/۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۳/۱۵)

دیدگاه اول که همسو با روایات اهل بیت  $\Delta$  درباره این آیه که با مضمون واحد، تحقق این وعده را در عصر ظهور امام مهدی  $\gamma$  می داند و از تکیه گاه دوم آن ها ادبیات آیه است که شامل صرف و نحو آیه و هم محتوای درونی آیه این دیدگاه علاوه بر آن که به طور طبیعی در بین محدثان مانند علامه مجلسی (ر.ک. مجلسی، مرآة العقول، ۲/۲۵۱) و در کتب روایی تفسیری به خصوص تفسیر اجتهادی شیعی مجمع البیان مرحوم طبرسی که به این قول گرایش پیدا کرده است؛ و دیدگاه دوم که تحقق وعده را با مصادیق متعدد می داند؛ این قول بر این باور است که وعده الهی دست کم یک بار در صدر اسلام تحقق یافته است و عصر ظهور نیز یکی از مصادیق این وعده و مصداق اتم آن است. شیخ طوسی در تفسیر این آیه به این قول گرایش دارد. صاحب تفسیر نمونه در ذیل آیه می فرماید: بعضی آن را مخصوص صحابه پیامبر  $\theta$  دانسته اند که با پیروزی اسلام در عصر پیامبر  $\theta$  صاحب حکومت در زمین شدند (البته منظور از «ارض» تمام روی زمین نیست بلکه مفهومی است که بر جزء و کل صدق می کند). بعضی دیگر اشاره به حکومت خلفای چهارگانه نخستین؛ و بعضی مفهوم آن را چنان وسیع دانسته اند که این وعده را شامل تمام مسلمانانی که دارای این صفت اند می دانند. و گروهی آن را اشاره به حکومت مهدی  $\gamma$  می دانند که شرق و غرب جهان در زیر لوای حکومتش قرار می گیرد و آئین حق در همه جا نفوذ می کند و ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین برچیده می شود و عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق می یابد. «بدون شك آیه شامل مسلمانان نخستین می شود و بدون شك حکومت مهدی  $\gamma$  که طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفته باشد مصداق کامل این آیه است، ولی با این حال مانع از عمومیت و گستردگی مفهوم آیه نخواهد بود. نتیجه اینکه در هر عصر و زمان پایه های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود، آن ها صاحب حکومتی ریشه دار و پرنفوذ خواهند شد؛ و اینکه بعضی می گویند: کلمه «ارض» مطلق است و تمام روی زمین را شامل می شود و این منحصرأ مربوط به حکومت مهدی  $\gamma$  است با جمله «گَمَّا اسْتَخْلَفَ ...»



سازگار نیست زیرا خلافت و حکومت پیشینیان مسلماً در تمام پهنه زمین نبود. بعلاوه شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد که حداقل نمونه‌ای از این حکومت در عصر پیامبر ۵ برای مسلمانان (هرچند در اواخر عمر آن حضرت) حاصل شده است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۵۳۱) لذا محصول تمام زحمات پیامبران و تبلیغات مستمر و پیگیر آنها و نمونه اتم حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت خالی از شرك در زمانی تحقق می‌یابد که مهدی آن سلاله انبیاء و فرزند پیامبر اسلام ۵ ظاهر شود، همان کسی که همه مسلمانان این حدیث را درباره او از پیامبر ۵ نقل کرده‌اند: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ دُرِّيِّ اسْمُهُ كَاسِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» اگر از عمر دنیا جز يك روز باقی نماند خداوند آن يك روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است حاکم بر زمین شود و صفحه زمین را پر از عدل و داد کند، آن گونه که از ظلم و جور پرشده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۵۳۱) بنابراین تفسیر نمونه عصر ظهور را مصداق اتم و کامل آن می‌داند.

## ۵. بررسی دیدگاه اهل سنت

دیدگاه‌های اهل سنت درباره آیه را می‌توان در سه محور مورد بررسی قرارداد: اول شرح و بیان مفاد آیه؛ تقریباً مفسران اهل سنت در این قول متفق‌اند که قدر متیقن خطاب در «وَعَدَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» صحابه پیامبر خدایند و خداوند این وعده را به یاران رسول خدا به عنوان مخاطبان حاضر در عصر نزول داده است. اساس این قول خبر واحدی است که در شأن نزول آیه آورده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ ه. ق. ۱۰ / ۱۶۰) و چند تن از مفسرین اهل سنت هم این مطلب را در شأن نزول آیه آورده‌اند؛ و گفته که خدا این نعمت را به آنها داد آن‌ها به این نعمت کفر ورزیدند و خداوند وضعیت را تغییر داد و خوفی را که از آنها برداشته بود دوباره بر آنان وارد ساخت. (طبری، ۱۴۱۲ ه. ق. ۱۰ / ۱۶۰) مفسران اهل سنت بر این است که زمان کفران نعمت و تغییر امنیت به خوف، از قتل عثمان بود. در مورد ماهیت استخلاف نیز نظر مشهور اهل سنت، ماهیت استخلاف قوم موعود را از نوع طبیعی آن

نمی دانند؛ بلکه بر این باورند که این استخلاف با توجه به ساختار آیه که در مقام امتنان است از نوع دوم به معنای وراثت است، خداوند مسلمانان را وارث سرزمین مشرکان و کافران از عرب و عجم قرارداد؛ و این استخلاف به معنای نوع سوم آن، که حق تعالی به صورت خاص برای افرادی همانند آدم و هارون و سلیمان نیست. در برابر این قول که نظر مشهور مفسران سنی است، قول دیگری در ماهیت استخلاف به چشم می خورد که این استخلاف از نوع سوم به معنای جعل خاص خلافت از ناحیه حق تعالی برای افراد معنا شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۴/ ۴۱۲)

نکته قابل توجه این است که این معنا از استخلاف فراتر از وراثت زمین همراه با سکونت و فرمانروایی در آن است که برای قوم بنی اسرائیل و اقوام دیگر تحقق یافت. بلکه جعل خاص برای افراد از انبیاء و اوصیاء است که قرآن از آن خبر داده است. نتیجه قابل توجهی که از این قول به دست می آید این است که در این صورت «من» در عبارت «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...» تبعضیه خواهد بود نه تبیینیه. (همان ص ۴۱۰) یعنی چنان که خداوند برای افرادی از قوم بنی اسرائیل مانند هارون و داوود و سلیمان و یا دیگر اقوام مقام خلافت را قرارداد، برای برخی از افراد این امت نیز، مقام خلافت را قرار خواهد داد.

اهل سنت در تبیین فراز «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» دو نظر ابراز داشتند؛ برخی آن را به معنای لغوی دین گرفته اند و برخی به تبیین وسعت این تمکین به کمک آیه اظهار دین پرداخته و آن را غلبه بر دیگر ادیان دانسته اند. قرطبی در معنای «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» حدیث معروف مقداد بن اسود از قول پیامبر را نقل می کند که فرموده است: «در آن زمان هیچ خانه گلی یا مویین نخواهد ماند جز آنکه خداوند اسلام را در آن داخل کند...» (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۳۰۰) در مورد گستره تبدیل خوف به امنیت نیز دو قول بین اهل سنت است قولی که وعده استخلاف در زمین را به شهر مکه منحصر کرده تبدیل خوف را هم در همان محدوده می پذیرد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ه. ق، ۲۱/ ۲۲۲؛ الحاکم الحسکاني في شواهد التنزيل ۱/ ۴. و قول دوم که دیدگاه مشهور و رایج اهل

سنت است، گستره این تبدیل را متناسب با گستره استخلاف مسلمانان بر سرزمین‌های عرب و عجم می‌داند که دست کم تا پایان عصر عثمان با غلبه بر کفار به آن دست یافتند. نکته قابل توجهی که تمام تفاسیر سنی به چشم می‌خورد، پیوند این آیه با امر خلفاست؛ هیچ‌یک از مفسران اهل سنت در باره تطبیق آیه بر عصر خلفا تردید ندارند، خواه آغاز این وعده را از عصر رسالت بدانیم یا از عصر خلافت ابوبکر به شمار آوریم و یا امکان تحقق مصادیق دیگر برای این وعده را بپذیریم و یا آن را بر خلفا حمل کنیم در هر صورت این آیه از نظر همه آن‌ها بدون شک و تردید بر خلفا تطبیق می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۱۳)

در این میان برخی مفسران سنی، قوم موعود را به صحابه اختصاص نداده همه امت را قوم موعود می‌دانند. آنان بر این باورند این وعده از اواخر بعثت تا کنون برای یک بار و برای همیشه تحقق یافت و موجب شد این امت، مالک سرزمین دیگران شده و در آن سکنی گزینند که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. با توجه به نکات گفته شده از نظر مفسران سنی، قدر متیقن از قوم موعود در این خطاب صحابه هستند و برخی نیز همه امت را مصداق این قوم دانسته‌اند، سؤالی که مطرح است این است که آیا امکان تحقق دوباره این وعده مثلاً در زمان ظهور امام مهدی ۷ منتفی است؟ که در اینجا رویکرد اهل سنت دو گونه است: عده زیادی از آن‌ها بحث از امکان دوباره این وعده را فرو گذاشته‌اند و دلیل عدم تعرض آنان به این موضوع آن است که آنان خطاب در این آیه را به افراد زمان نزول اختصاص داده‌اند و در پی آن بیشترین اهتمام آنان برای اثبات تطبیق مفاد آن بر امر خلفای سه‌گانه و یا چهارگانه مصروف شده است تا آن را دلیل قرآنی برای صحت خلافت خلفا به شمار آورند؛ و موضع دوم تصریح به تطبیق دوباره آیه از جمله تطبیق آن به عصر ظهور امام مهدی ۷ به طور خاص است. حاصل کلام آن است که مشهور مفسران سنی در این قول اتفاق نظر دارند که مفاد این وعده، ناظر به اصحاب پیامبر اکرم 0 به طور خاص یا امت اسلامی به طور عام است. (بر گرفته از کتاب بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی ۷ نوشته فتح الله نجار زادگان، فصل سوم)

## ۶. مؤلفه های تمدن مهدوی

### ۵/۱. توحید

یکی از مؤلفه های تمدن مهدوی توحید است. تمدن نوین اسلامی، مبتنی بر مبانی اندیشه ای آیت الله خامنه ای، توحید محور است؛ توحیدی که نه تنها در عقیده و قلب آدمیان حضور دارد بلکه همانند روحی، همه ساحت های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی انسان را احاطه کرده است. آزادی، استقلال، دانش، قدرت، سیاست، قضاوت، امنیت، دفاع و ... جملگی توحیدی هستند. «توحید» محور اصلی اندیشه تمدنی آیت الله خامنه ای است که نه تنها بر عقاید افراد و مدیران جامعه بلکه باید بر مجموعه جامعه نیز سرپا داشته باشد؛ بر این اساس، ایشان معتقدند که در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است که خالق، عالم به مصالح و مالک انسان است و هیچ انسانی حق ندارد اداره امور انسان های دیگر را بر عهده بگیرد؛ اما خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاصی اعمال می کند. کسی که ولایت را از طرف خداوند عهده دار می شود، باید پرتو و سایه ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد؛ بنابراین، در جامعه و نظام اسلامی، بهترین الگوی حکومتی ممکن، حکومت معصومین است و در صورتی که حاکمیت معصوم میسر نیست، باید دین، تقوا و عدالت بر مردم حکومت کند که از آن با عنوان «ولایت فقیه» یاد می شود؛ یعنی انسان دین شناسی که دارای ملکه عدالت و تقواست و می تواند روح توحیدی را در ارزش های اخلاقی، تربیتی و عبادت، ساری و جاری سازد و از آن طریق، به سیاست، اقتصاد، مدیریت، قضاوت، تعلیم و فرهنگ توحیدی دست یابد.

### ۵/۲. ایمان

یکی دیگر از مؤلفه های تمدن مهدوی ایمان به خداوند است. اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده

برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید». رسالت پیامبر اعظم ۵ نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ‌ها و دلسوزی‌هایشان برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها، عامل اساسی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود. و همان‌طور که در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور اشاره شد وعده خدا به کسانی است که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند. در نتیجه این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند، به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و این همان تمدن مهدوی است که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند.» معظم له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که: «بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، بنابرین، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۱۳۹۱/۷/۲۳)؛

مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و

ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد. معظم له می‌فرماید: «پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی این‌ها خواهد شد. آن‌که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند.» (همان)

### ۵/۳. تمکین دین

تمکین: در اصل به معنای قرار دادن چیزی در مقام است راغب می‌نویسد: «مکنته و مکنت فتمکنت؛ شیء را در مکان قراردادم پس جای گرفت» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ه.ق. ص ۷۷۳) خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ». (الأعراف/۱۰) تمکین هر چیزی برقرار کردن آن است در مکان و این کنایه است از ثبات آن چیز و زوال و اضطراب و تزلزل ناپذیری آن، به طوری که اگر اثری داشته باشد هیچ مانعی جلوی تأثیر آن را نگیرد و در آیه مورد بحث تمکین دین عبارت است از اینکه: آن را در جامعه مورد عمل قرار دهد، یعنی هیچ کفری جلوگیری نکند و امرش را سبک نشمارند، اصول معارفش مورد اعتقاد همه باشد، درباره آن اختلاف و تخصمی نباشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۲/۱۵) تنها در آیه مورد بحث سخن از «تمکین دین» است اکنون باید دید تثبیت دین و استقرار آن به چه معناست؟ برخی آن را به معنای چیرگی و سیطره دین اسلام بر سایر ادیان می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۹/۷) برخی آن را به معنای والا کردن شأن دین در جامعه دانسته‌اند، به گونه‌ای که خداوند ارکان دین را تقویت می‌کند و

اهل دین را در چشم دشمنانشان بزرگ جلوه می‌دهد و دشمنان را از جداسازی مردم از دین مأیوس می‌گرداند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ه.ق: ۲۹۸/۱۰) علامه طباطبایی نیز تمکین دین را کنایه از استوار ساختن دین و استحکام بخشیدن به آن می‌داند به گونه‌ای که اصول آن به واسطه اختلاف سست نگردد و در اجرای قوانینش سهل‌انگاری نشود و احکام آن به عمل درآید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۲/۱۵). بنابر این مراد از تمکین دین مرضی آنان در زمین این است که دین پسندیده ایشان را پای بر جا بدارد، به طوری که اختلافشان در اصول و سهل‌انگاری‌هایشان در اجرای احکام و عمل به فروع آن، دین آنان را متزلزل نسازد و همواره اجتماعشان از لکه نفاق پاک باشد. و مراد از تبدیل خوفشان به امنیت این است که امنیت و سلام بر مجتمع آنان سایه بیفکند، به طوری که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند و نه از دشمنان خارجی، نه از دشمنی علنی و نه پنهانی. از مطالب پیش گفته روشن می‌گردد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تا کنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر ۰ مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی ۷ خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ۰ و ائمه اهل بیت ۷ در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد.

#### ۵/۴. امنیت فراگیر

یکی از مؤلفه‌های تمدن مهدوی امنیت فراگیر است جمله «وَأَلْبَدِلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» مانند جمله «وَأَلْبَدِلْنَهُمْ» عطف است بر جمله «لَيْسَتْ خَلْفَتُهُمْ» و اصل معنا «لِیَبْدِلُنَّ

خوفهم امنا» بوده، به طور ساده تر اینکه در واقع باید می فرمود «ترس ایشان را مبدل به امنیت کردیم» ولی فرموده «ایشان را بعد از ترس، مبدل به امنیت کردیم» و تبدیل را به خود آنان نسبت داد، حالا یا از باب مجاز عقلی است و یا آنکه مضاف را چون معلوم بوده حذف کرده، زیرا جمله «مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ» می فهماند که آن محذوف خوف و تقدیر «لیبدلن خوفهم» بوده و یا آنکه از این باب نبوده، بلکه کلمه «امنا» به معنای آمین بوده که در این صورت معنا این می شود که: خدا ایشان را بعد از ترسشان مبدل کرد به ایمنان و به هر حال، مراد از خوف آن ترسی است که مؤمنین صدر اسلام از کفار و منافقین داشتند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۲) در این آیه اول خداوند به کسانی که ایمان آوردند وعده استخلاف و بعد تمکین در دین و بعد از آن امنیت فراگیر است و که شامل انواع امنیت از اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، درونی، بیرونی و اقتصادی و معیشتی می شود. لازمه این امنیت انهدام جبهه کفر است. اگر در جامعه ای کفر باشد آن جامعه به هم می ریزد. نتایج این امنیت فراگیر نابودی همه رسانه های کفر است و رشد جامعه است که در زمان ظهور و تحقق تمدن مهدوی دو نوع رشد به وجود می آید یکی رشد عقول و دیگری رشد و گسترش علوم، عقل ها کامل می شود و قدرت سنجش انسان ها بالا می رود و آینده را دقیق تر می بیند و استقرار دین اسلام در سراسر عالم «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» و به نص قرآن عباد صالح وارث زمین می شوند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء ۱۰۵) و این عباد صالح وارث کل زمین می شوند نه بخشی از آن و همه زمین در دست عباد صالح قرار می گیرد. بنا بر این تمدن نوین مهدوی از یک سو به عنوان یک متعادل کننده می تواند از حقوق ملت های مسلمان دفاع نماید و از طرف دیگر با نگاهی که به صلح دارد، آن را فراتر از آرام سازی موقتی دیده و با تلاش و هموارسازی مسیر صلح بر مبنای عدالت می تواند ره آورد ارزشمندی به نام صلح پایدار را برای انسان ها به ویژه مسلمانان به ارمغان آورد و زمینه رشد و شکوفایی استعداد های نهفته در جهان اسلام را فراهم سازد. (بر گرفته از کتاب بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی نوشته فتح الله نجار زادگان، فصل سوم)



## ۵/۵. عبودیت فراگیر

یکی از مؤلفه‌های تمدن مهدوی عبودیت فراگیر است. عبودیت فراگیر زمانی اتفاق می‌افتد که اولاً وعده‌ی استخلاف برای مؤمنین برای کل زمین در نظر گرفته شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آیه بعد از اشاره به وعده استخلاف و تمکین در دین و امنیت فراگیر آمده است «يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» که با تحقق این سه وعده عبودیت فراگیر می‌شود و استخلاف صالحان در کل زمین می‌باشد زیرا با توجه به این‌که خداوند انسان را آفرید برای هدف نهایی خلقت که آن عبودیت و بندگی است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي» (ذاریات، ۵۶) و این هدف الهی زمانی تحقق پیدا می‌کند که عبودیت فراگیر شود زیرا اگر این عبودیت ناقص باشد گویا هدف از خلقت تحقق نیافته است و این محال است لذا باید استخلاف و تمکین و امنیت فراگیر باشد تا به تبع آن عبودیت فراگیر شود. نکته بعدی در مورد آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» این است که هیچ اطلاقی در مورد سه واژه «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» و «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ» و «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ» وجود ندارد که اگر هر کدام به تنهایی تحقق پیدا کند این وعده الهی تحقق یافته است؛ پس باید زمانی باشد که این اتفاقات باهم صورت گیرد و تنها مصداق آن زمان ظهور است.

در ادامه آیه می‌فرماید: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» که اگر بخواهیم این بخش از آیه را با سیاق آیات بهتر وفق دهیم، باید آن را حال از ضمیر در جمله «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ» بگیریم، که معنا چنین می‌شود: «خداترس ایشان را مبدل به امنیت کرد، درحالی‌که ایشان مرا پرستش کنند و چیزی شریک من ندانند».

نکته قابل‌ملاحظه این‌که در این آیه شریفه کلمه «شیئا» را نکره آورده شده و نکره در سیاق نفی دلالت بر عموم می‌کند یعنی دلالت بر نفی شریک به طور اطلاق دارد؛ بنابراین مراد از عبادت، خداپرستی خالص است، به طوری‌که هیچ شایبه‌ای از شرک - چه شرک

جلی و چه شرك خفی- در آن راه نداشته باشد و خلاصه معنا این می شود که خدا مجتمع آنان را مجتمعی ایمن می سازد تا در آن جز خدا هیچ چیز دیگری پرستش نشود و هیچ ربی غیر از خدا قائل نباشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۲)

### ۷. نتیجه گیری

منظور از مؤلفه های تمدن مهدوی آن شاخصه هایی است که جامعه ایده آل بر پایه آن استوار است. هدف از این تحقیق آشنایی و آگاهی دادن جامعه نسبت به این مؤلفه های می باشد برای زمینه سازی تمدن نوین اسلامی و به فرموده مقام معظم رهبری، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است. آن گونه که از نتایج این تحقیق به دست آمد دوران ظهور و در عصر حکومت مهدوی همه مولفه های تمدنی که بشر امروز آن را تمدن می داند در حد اعلای آن موجود است و چنین جامعه ای است که انسان ها را به کمال مطلوب و قرب الهی می رساند. امید به چنین جامعه ای انسان ها را از حالت رکود خارج ساخته با روح انتظار که افضل اعمال دانسته شده است به سوی قله های کمال حرکت می کند. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش مؤلفه های تمدن مهدوی با توجه به آیه ۵۵ سوره نور عبارتند از: توحید، ایمان، اخلاص، تمکین دین، امنیت فراگیر و عبودیت فراگیر.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ه. ق، معجم مقاییس اللغه - قم، چاپ: اول.
۳. امام خمینی علیه السلام، سید روح الله، (۱۳۷۷)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۴. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. بیانیه گام دوم
۶. جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
۷. جعفری، علامه محمد تقی، (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزه العالی)، بیانات، (بر گرفته از سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir))
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ه. ش
۱۰. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۳۰ جلد، فرهنگ اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۲، ۱۴۰۶ ه. ق.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی - سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴ ه. ش، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ه. ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم
۱۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ه. ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، چاپ اول
۱۵. عمید، حسن، (۱۳۸۹) ف فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع.
۱۶. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ۳۲ جلد، دار احیاء التراث العربی - لبنان چاپ: ۳، ۱۴۲۰ ه. ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، العین، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.

۱۸. فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا، (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹.
۱۹. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ه. ش، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰ جلد، چاپ اول
۲۰. مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، انتشارات حوزه علمیه قم.
۲۱. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ سوم.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش
۲۴. نجار زادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال چاپ ۱۳۸۹، چاپ اول.